

امر به معروف و نهی از منکر، ضرورت یک شکل

حسن علی اکبری



انسان در اسلام به عنوان یک جزء مستقل و بریده از دیگران توصیف نشده است بلکه دارای حیات جمعی و اجتماعی است. خواه آنکه تن دادن او به زندگی اجتماعی بر اساس طبع و آفرینش او بوده باشد یا آنکه اضطراراً چنین زندگی را پذیرفته باشد یا براساس حساسبگری خویش آن را انتخاب کرده باشد، در هر صورت از آن جهت که در بین گروه و امتی زندگی می‌کند، متأثر از آن امت بوده و صبغه و رنگ آن جمع را بخود می‌گیرد بلکه اساساً شکل‌گیری هویت او به نوع روابطی که با اطرافیان خود برقرار می‌کند و میزان تأثیری که از آنان می‌گیرد، بستگی دارد. و این حیات جمعی و جنبه اجتماعی انسان علی‌رغم ورود او به صورت فردی در نزد خداوند در روز قیامت،^(۱) با گرد آمدن جمعی او در آن روز^(۲) ادامه خواهد یافت و از همین رو قیامت را یوم الجمع، یوم التلاقی و یوم التغابن نام داده‌اند زیرا گرد آمدن و جمع شدن و ملاقات و برخورد با یکدیگر و روز زبانی که شأن اجتماعی دارد، می‌باشد.^(۳)

از طرف دیگر اقتضای طبع و طبیعت او، گرایش به شهوات و امیال و سقوط و انحطاط و تن دادن به ردائیل و آلودگیها، بخصوص تعدی و تجاوز به دیگران و سوق به

سوی بدی هاست و چون این ویژگی همگانی است و همه انسانها از این طبیعت متوحش نفس برخوردارند و تنها راه سعادت انسان نیز در مهار نمودن همین طبیعت سرکش و تربیت و تزکیه نفس طغیانگر او است، رسولان الهی با شرایع و برنامه‌های آسمانی به استمداد او آمده و برای هدایت و تربیت و یاری او برای زندگی سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت، مبعوث شده و طرح و برنامه‌ای آورده و برانجام آن قیام نموده‌اند.

از آنجا که اجرای فرائض و واجبات دینی و برنامه‌های الهی در گرو یک ضمانت و عامل تحقق بخش قطعی است، علاوه بر تشریح احکامی از قبیل حدود و تعزیرات و غیره، دو فریضه بزرگ الهی نیز که سایر فرائض و واجبات بوسیله آن دو برپا می‌شوند در پرتو آن بقیه احکام الهی پیاده می‌شود، به عنوان عالیترین و شریفترین وظایف واجب دینی^(۴) تعیین و تشریح شده است و از چنان عظمتی برخوردار است که همه کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا در برابر آن همچون آب دهان در برابر دریای پهناوری است^(۵) بلکه جهاد خود شعبه‌ای از شعبه‌های امر به معروف و نهی از منکر است و تأثیر و نقش امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه بیشتر از تأثیر جهاد بوده و آثار و نتایج آن دائمی‌تر و اساسی‌تر است.

از تدبیر در آیات مربوط به امر معروف و نهی از منکر چنین استفاده می‌شود که شارع مقدس در تشریح و بیان این دو فریضه بزرگ، راه خاصی را پیموده است.^(۶) در آغاز بعثت تنها به این دو فریضه اشاره و تشویق کرده است و با واجب نمودن توصیه همدیگر به حق^(۷) و با نقل وصیت لقمان به پسرش که فرمود: پسر، نماز را بر پادار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد استقامت کن که این از کارهای مهم و اساسی است^(۸)، ضمن توجه دادن مسلمین به ارزش و اهمیت آن، ایشان را ترغیب و تشویق می‌نماید و بدنبال آن این دو فریضه را بر شخص پیامبر گرامی اسلام^(۹) «ص» واجب نموده و آن را از صفات پیامبرش «ص» می‌شمارد.^(۱۰)

و در آیات دیگر سرنوشت و عواقب شوم ترک آن را گوشزد کرده^(۱۱) و بالاخره آن را بر واجدین شرایط واجب می‌گرداند.

سپس در مدینه انجام این دو فریضه بزرگ الهی را از صفات لازم مؤمنین^(۱۲) و در ردیف ایمان به خدا شمرده بلکه آن را از شئون ولایت بعضی از مؤمنین نسبت به بعض دیگر دانسته است^(۱۳) و در سوره حج آیه ۴۱ می‌فرماید «یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از خداست»^(۱۴).

و اساساً عامل برتری امت مسلمان بر دیگران را، ایمان به خدا و خصلت امر به معروف و نهی از منکر آنان می‌داند آنجا که می‌فرماید: «شما بهترین امتی بودید که پدید آمده‌اید از این جهت که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید»^(۱۵).

ظاهر آیه شریفه «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون یعنی باید جمعی در میان شما دعوت به کار نیک و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند»^(۱۶)، در صدد بیان تأسیس گروه و جمعیت خاص و سازمان یا نهاد ویژه‌ای از بین امت اسلامی برای قیام به امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به سوی خیر است و روشن است که این گروه و ارگان مخصوص در میان امت اسلامی باید دارای ویژگیها و شرایط خاصی باشند و به امکانات و تجهیزات مخصوص، مجهز شده تا بتوانند این دو وظیفه بسیار مهم را به خوبی انجام دهند.^(۱۷)

این سخن به این معنی است که حداقل مرحله‌ای از امر به معروف و نهی از منکر، گروهی است. یعنی گروهی که دارای تشکیلات و سازمان منظم بوده و آموزش و مهارتهای لازم برای انجام این مسؤلیت را فرا گرفته و از طرف حکومت اسلامی بعنوان گروه نظارت بر وضع اجتماع، انجام وظیفه می‌کنند و این گروه با نیروهای واجد شرایط و با همکاری و هماهنگی یکدیگر و بر اساس موازین حساب شده در جامعه با هر گونه

فساد و ظلم و انحرافی مبارزه می‌کنند.

همانطور که مثلاً در انجام مراسم حج تشکیل یک سازمان و هماهنگ کردن و تهیه مقدمات لازم و آموزش و برنامه‌ریزی و نظارت و هدایت و کنترل زائران خانه خدا، زمینه‌های تحقق حج ابراهیم را به شکل مناسب‌تر بوجود آورده، و یا برای اخذ و به مصرف رساندن وجوهات شرعی و زکات در جامعه اسلامی نیاز به یک نهاد و سازمان مخصوص می‌باشد همچنین برای بپا داشتن این دو واجب الهی که زمینه ساز انجام سایر واجبات است نیز نیاز به یک نهاد مخصوص و متولی و مسئولان ویژه‌ای است که حداقل بعضی از مراتب امر و نهی را که هرگز به صورت فردی نمی‌شود انجام داد، بجا آورند.

محمد عبده مؤلف تفسیر المنار، در زمینه سطوح امر به معروف و نهی از منکر گفتاری دارد که نقل آن جالب به نظر می‌رسد و خلاصه آن چنین است:^(۱۸)

«و از آنجا که برای هر جامعه و هر مجموعه واحد نگهبانان و پاسدارانی برای حفظ آن لازم است خداوند متعال ما را به ایجاد ارگانی که حافظ و نگهبان جامعه ما و محور وحدت و هماهنگی ما باشد، ارشاد نموده است که در قرآن سوره آل عمران آیه ۱۰۳ ما را به تمسک و چنگ زدن به رشته‌های محکم خدا دعوت کرده است و در آیه ۱۰۴ همین سوره فرموده است: «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر... و نیز در آیه ۱۱۰ فرموده است کنتم خیر امة اخرجت للناس...».

سپس مؤلف تفسیر المنار بعد از گفتار مشروحی می‌گوید:^(۱۹)

قیام به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ناگزیر باید در سه مرحله و در سه سطح اجرا گردد:

۱- در سطح عموم امت اسلامی به گونه‌ای که هر فردی از مسلمین در حد توان خود دیگری را امر به معروف و نهی از منکر نماید.

۲- در سطح همین امت اسلامی باشد، ولی گروهی از افراد مخصوص، خود را مجهز و

آماده برای اجرای این دو فریضه مهم نمایند و در این راه، مقدمات لازم مانند علم و تجربه و تجهیزات مناسب و شرایط دیگر را فراگیرند.

۳- در سطح جهانی به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند و این کار نیاز به گروه و جمعیت مخصوص از امت اسلامی و دارای تجهیزات لازم، دارد که خود را برای دعوت جهانی (و صدور انقلاب اسلامی به جهان) آماده سازند و مردم جهان را با امر به معروف و نهی از منکر خود به سوی سعادت و رستگاری دعوت کنند، چنانکه اسلام مردم را به تمام شئون و ابعاد سعادت و تکامل دعوت نموده است و لازم است که امت اسلام برای اقدام به این عمل مهم در سطح جهان، مجهز و آماده باشد. این آمادگی و مجهز شدن، به طور کامل انجام نمی‌شود مگر در پرتو امور بسیاری مانند:

- ۱- آگاهی کافی به محتوای دعوت اسلامی
- ۲- آگاهی به وضع مردم جهان از نظر روحیه و شئون زندگی و استعداد و شرایط محیط و فرهنگ و اخلاقیات و حالات اجتماعی آنها.
- ۳- آگاهی به عوامل و ریشه‌های علم تاریخ عمومی داشتن، تا در پرتو آن، آلودگیهای اخلاقی و عقیدتی و فرهنگی اقوام بخوبی شناخته شود.
- ۴- جغرافیای عمومی کشورها و شهرها را بدانند تا خود را با شرایط هر شهر و نقطه‌ای آماده سازند.
- ۵- اطلاع و بلکه مهارت کامل در روانشناسی چرا که بدون آن به هدف نمی‌رسند و روانشناسی نقش بسزایی در نفوذ در دلها دارد و گفتار انسان با بکارگیری موازین روانشناسی در قلوب می‌نشیند.
- ۶- فراگیری علم اخلاق و آن علمی است که در آن از فضائل انسانی و چگونگی پرورش انسانها و ضمناً تهذیب آنها از آلودگیهای اخلاقی و راههای پاکسازی از آن، بحث و بررسی می‌شود.

۷- جامعه شناسی زیرا بدون شناخت جوامع در این امر مهم توفیق کامل حاصل نمی‌شود.

۸- آگاهی به علوم سیاسی و منظور از این علم، آگاهی به وضع و سیستم دولتهای زمان و ارتباطات آنها با همدیگر از نظر حقوقی و قراردادها و امور دیگر که با استقلال و عدم استقلال همه جانبه آنها مرتبط می‌گردد.

۹- دانستن زبانهای مختلف ملت‌هایی که می‌خواهند آنها را به سوی اسلام دعوت کنند و در کتاب صحیح بخاری آمده: پیامبر «ص» به بعضی از اصحاب امر کرد که زبان عبرانی را به خاطر برخورد با یهودیانی که در مدینه و اطراف مدینه بودند (با این که آنها به عربی آشنا بوده و تکلم می‌کردند) بیاموزند.

۱۰- فراگیری دانشهای متداول و معمول ملت‌های معاصری که تصمیم بر دعوت آنها به سوی اسلام در تمام ابعادش گرفته می‌شود.

۱۱- آگاهی به ادیان و مکتبها و ایسم‌های گوناگون ملت‌ها تا بیان بطلان آن مذاهب برای دعوت کنندگان، آسان باشد»^(۲۰)

بنظر می‌رسد این مطلب صحیح باشد که امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب و سطوح مختلفی دارد زیرا: اولاً فعل معروف یا منکر دارای سطوح مختلفی است مثلاً گاهی معروف یا منکر فردی و گاهی جمعی است، گاهی در سطح محدود و گاهی در سطح بسیار وسیع و برخی موارد توسط یک فرد یا گروه کوچک و در موارد دیگر توسط یک ملت یا دولت و مجموعه‌ای از حکومتها انجام می‌گیرد.

و ثانیاً برای مقابله با منکرات و تحقق معروفها، همیشه با یک تذکر زبانی و توصیه و ارشاد لسانی به نتیجه نمی‌رسیم بلکه نیاز به فراهم نمودن تجهیزات و مقدماتی است که از عهده و توان یک فرد خارج است و نیاز به برنامه ریزی و مقابله همه جانبه با آن

می‌باشد.

ثالثاً، اگر بخواهیم دایره امر به معروف و نهی از منکر را بر تعداد اندکی از کارهای نیک که ترک شده‌اند و یا هم اکنون احتمال و ترس ترک آنها هست، محدود سازیم و منکر و کارهای بد را نیز به اندکی از کارهای بد و امور جزئی و سطحی که در جامعه وجود دارد محدود کنیم، هرگز به آثار آن که در فلسفه تشریح آن نهفته است و ائمه علیهم السلام برای ما بیان فرموده‌اند نمی‌رسیم و نتیجه‌ای نمی‌گیریم.

براساس سخن پیشوایان ما علیهم السلام اجرای سایر فرائض، امنیت راهها، سامان یافتن نابسامانها، اجرای حقوق انسانها و آبادی زمین و سرکوب دشمنان و احیای دین و صدها اثر درخشان دیگر و در یک کلام سوق همه انسانها به سوی نیکیها و باز داشتن آنها از همه بدیها نتیجه اقدام به امر به معروف و نهی از منکر است و هرگز چنین آثار و نتایج و امتیازاتی بدون تحقق امر به معروف و نهی از منکر در سطوح مختلف و حتی در سطح بین المللی و جهانی بدست نخواهد آمد.

رابعاً، معروف و منکر معنای بسیار وسیعی داشته و شاخه‌های فراوانی دارد و شامل زمینه‌های اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی می‌شود و برای انجام بعضی از مصادیق آن نیاز به تأسیس مراکز و مدارس و مساجد مختلف و تنظیم برنامه‌های بلند مدت و تألیف و چاپ و نشر و سمینار و کنفرانس و مصرف اموال و صرف اوقات و تحمل رنجها و زحمات و مجاهدات و مبارزات فراوانی دارد و گاهی تجهیز همه نیروهای مادی و معنوی و حتی درگیری با طاغوت را می‌طلبد. عالم بزرگ جهان تشیع شیخ اعظم انصاری در کتاب مکاسب محرمة خود در بحث ولایت از ناحیه حاکم ظالم تأسیس حکومت اسلامی را نیز از باب مقدمه‌ای برای تأثیر گذاشتن امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و می‌فرماید: ^(۲۱) «اشکالی نیست که بدست آوردن ولایت (حکومت اسلامی) واجب است و این موضوع در این صورت مقدمه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر

است و تحصیل مقدمه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر چون لازم است بنابراین تحصیل حکومت اسلامی لازم است».

و در همین زمینه عالم بزرگ شیخ محمد حسن نجفی در کتاب التجاره جواهر الکلام می‌فرماید: «وقتی ممکن نباشد دفع و نابود کردن فساد و یا امر به معروف مگر در پرتو ولایت (و حکومت اسلامی)، تحصیل ولایت واجب است. در صورتی که فرض کنیم امر و نهی منحصر به شخص مخصوصی است در این صورت بر او واجب است عهده‌دار مسئولیت ولایت و حکومت اسلامی شود، بلکه برای بدست آوردن آن با فراهم کردن مقدمات آن زمینه سازی نماید، حتی اگر ولایت بستگی به آشکار نمودن صفات و ویژگیهایی داشته باشد، باید آن را آشکار نماید تا به این وسیله حکومت اسلامی برقرار سازد».

با این بیان دلیلی ندارد که ما از ظاهر آیه شریفه ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر^(۲۳) دست برداشته و اختلاف در این که کلمه من بیانیه است یا تبعیضیه، بکنیم تا آن که منافات ظاهری این آیه که وجوب امر به معروف را برای جمعی از مسلمین ثابت می‌کند با آیات دیگری که وجوب این فریضه را بر همه مسلمین می‌رساند، بر طرف کنیم، بلکه براساس ظاهر این آیه باید گروهی برای دعوت به خیر و جود داشته باشند که امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده بعد از آن ناظر بر تفسیر و تبیین همان خیر است و اصطلاحاً ذکر خاص بعد از عام می‌باشد و به جهت اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که در خیریت دارد بدنبال آن آمده و اساساً خیر، معروف و شر منکر است و لازمه دعوت به خیر و خواندن بسوی مطلق نیکی‌ها، باز داشتن از بدی و زشتی‌هاست. پس دعوت به خیر همان امر به معروف و نهی از منکر است و آیه شریفه در صدد بیان این است که باید جمعیتی و گروهی از بین شما به این امر مهم بپردازند و شاهد صحت این معنی از آیه شریفه کلمه امت است.

(۲۴) راغب در مفردات می‌گوید: «والأمة كل جماعة يجمعهم امرؤ ما ادين واحد او زمان واحد او مکان واحد سواء كان ذلك الامرا لجامع تسخيراً او اختياراً» یعنی امت هر جماعتی را گویند که چیزی آنها را گرد آورده باشد یا دین واحد یا زمان واحد یا مکان واحد فرقی نمی‌کند که این عامل جمع‌کننده آن گروه، با اراده و اختیار یا با اجبار و اضطرار آنها را جمع نموده باشد» و کلمه امت از امّ به معنی قصد کردن است و در مفهوم آن انگیزه داری، ارتباط با یکدیگر، هدف و برنامه مشترک داشتن، هماهنگی در عمل و اتصال و پیوستگی نهفته است.

بر این اساس ولتکن منکم امة یعنی جمعیت و گروهی ممتاز و با ویژگیها و شرایط خاص که انگیزه و هدف و برنامه خاصی دارند و به صورت سازمان یا نهاد با تشکیلات و طرح و ساختار ویژه‌ای هستند، باید به مسأله مهم امر به معروف و نهی از منکر پردازند و این معنی اگر ناظر به سطوح و مراحل امر به معروف و نهی از منکر (در سطح افراد - در سطح یک کشور - در سطح جهان) نباشد حداقل تأسیس یک نهاد در سطح امت اسلامی را که این مهم را بعهده دارد، بیان می‌کند.

اصولاً هیچکدام از احکام الهی در شرایط زمانی فعلی با توجه به کثرت جمعیت و تعدد دولتها و ملیتها و گوناگونی منافع و خواسته‌ها، بدون این که به صورت نهادینه شدن عمل شود، براحق قابل اجرا نیست، مثلاً برگزاری مراسم حج یا گرفتن زکوة و مالیات شرعی یا جهاد و یا تبلیغ دین و دعوت به اسلام، همگی در صورتی به نحو کامل و تمام قابل اجرا و پیاده شدن است که گروهی متولی انجام آن شده و با تشکیل یک نهاد یا سازمان یا ارگان یا وزارتخانه و به تناسب، چیزی از این قبیل، اقدام به زمینه سازی، تجهیز، آموزش، برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای این ارکان دینی کنند و امر به معروف و نهی از منکر که اساسی‌تر و با اهمیت‌تر از این موارد است، بطریق اولی نیاز به متولیانی دارد که با تخصص و آموزشهای لازم به این مسئولیت عظیم پردازند، تا بتوانند در سطح

یک شهر یا یک کشور یا در سطح کشورهای اسلامی و یا جهان اقدام به دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر کنند و سعادت را که جز از این طریق حاصل نمی‌شود، تضمین کنند.

این مطلب همان چیزی است که آیه شریفه سوره آل عمران به صراحت به آن اشاره کرده و به دنبال دعوت به وحدت و اعتصام به حبل الله و عدم تفرقه و در سیاق آیاتی که به بیان فتنه‌های اهل کتاب و بر حذر داشتن مؤمنین از آنها پرداخته، آمده است.

راستی چه می‌شد اگر در بین امت اسلامی، گروهی متشکل و آگاه یافت می‌شدند و برای اجرای احکام اسلامی و دفع و رفع مفاسد و مشکلات سیاسی و اجتماعی که گریبانگیر مسلمین است اعم از مشکلات جهانی یا منطقه‌ای یا بین‌کشوری یا درونی حکومت‌های بلاد اسلامی، دل سوزانده و حداقل برای مسائل و مصیبت‌های اسلام نیز به اندازه آلودگی هوا، شکاف در لایه ازن، حقوق حیوانات، محیط زیست و حفاظت از گیاهان و امثال آن ارزش قائل می‌شدند، (در صورتی که با تحقق اسلام به معنی جامع خود همه این مشکلات نیز مرتفع می‌گردد) و گروه‌هایی نظیر گروه سبز و امثال آن ... تشکیل داده و فارغ از قیودات درون حکومتی در کشورهای اسلامی اقدام به تجمع و تشکل و سازماندهی خود و سپس تبلیغ و ارشاد و هدایت و استفاده از ابزار ارتباطی و احیاناً دخالت و موضعگیری بخصوص در جهت آگاه کردن مردم مسلمان و ملت‌ها در زمینه مسائل جهانی و مسائل مربوط به امت اسلامی می‌نمودند؟

منابع

- ۱- و کَلَّمَهُمْ آتِيَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا مَرِيْمَ / ۹۵
- ۲- یوم یجمعکم لیوم الجمع ذلك یوم التغابن تغابن / ۹
- ۳- تغابن بر وزن تفاعل یعنی غبن و زیانی که شأن اجتماعی و طرفینی دارد.
- ۴- کما رفضوا اسمی الفرائض و اشرفها ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضة عظیمة بها تقام الفرائض «یعنی همانگونه که عالیترین و شریفترین واجبات را ترک کردند چون امر به معروف و نهی از منکر فریضة بزرگی است که سایر فرائض بوسیله آن برپا می شود». وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۳۹۵.
- ۵- و ما اعمال البرکلتها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کشفة فی بحر لجمی:
- یعنی تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون آب دهان در برابر دریای پهناوری است. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۷۴.
- ۶- امر به معروف و نهی از منکر، آیه الله حسین نوری، ترجمه اشتهااردی، ص ۲۷.
- ۷- و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر عصر / ۲. احادیث فریقینی
- ۸- یا بنی اقم الصوة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلك من عزم الامور. لقمان / ۱۷.
- ۹- خذ العفو و امر بالعرف یعنی عفو و مدارا را پیشه کن و به نیکیها دعوت نما اعراف / ۱۹۹.
- ۱۰- یا مرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر اعراف / ۱۵۷.
- ۱۱- اعراف ۱۶۳ تا ۱۶۶ که ماجرای شبیه را بیان می کند.
- ۱۲- یؤمنون بالله و الیوم الاخر و یأمورن بالمعروف و ینهون عن المنکر: در این آیه این دو فریضة را در ردیف ایمان به خدا و معاد ذکر کرده است. ال عمران / ۱۱۳.
- ۱۳- و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

توبه / ٧١.

١٤- الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا
عن المنکر و لله عاقبة الامور- حج / ٤١

١٥- کتتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون
بالله، آل عمران / ١١٠.

١٦- آل عمران / ١٠٤.

١٧- امر به معروف و نهی از منکر، آیه الله نوری، ص ٣٨.

١٨- تفسیر المنار، ج ٤، ص ٢٦ به نقل از: امر به معروف و نهی از منکر آیه الله نوری،
ترجمه اشتیاردی، ص ٤٢.

١٩- همان، ص ٤٣.

٢٠- همان، ص ٤٥.

٢١- امر به معروف و نهی از منکر آیه الله نوری، ترجمه اشتیاردی، ص ١٤٨.

٢٢- همان، ص ١٤٩.

٢٣- آل عمران / ١٠٤.

٢٤- مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، ص ٢٣.